

آیا ما در عصر چند بحرانی به سر می بریم؟^۱

نویسندگان: جرمی آلوش^۲، استیو متکالف^۳، مگان اشمیت-سان^۴ و شیلپی سریواستاوا^۵

منبع: تارنمای موسسه مطالعات توسعه دانشگاه ساسکس

<https://www.ids.ac.uk/>

تاریخ انتشار: ۳۱ اکتبر ۲۰۲۳

مترجم: حمیدرضا زرنگار

اشاره:

یک هفته پیش از پایان اکتبر امسال به عنوان بخشی از اقدامات پروژه صندوق تحقیقات چالش های جهانی جزایر نوآوری در بحران های دراز مدت یک کارگاه مباحثه به همت پروفسور جرمی آلوش، دکتر شیلپی سریواستاوا و دکتر مگان اشمیت-سان برگزار شد و شماری از فیلسوفان، جامعه شناسان، علمای سیاست، اقتصاد سیاسی، اکولوژی سیاست، متخصصان مباحث جنسیت، انسان شناسان و صاحب نظران توسعه را برای بحث در باب اندیشه چند بحرانی گرد هم آورد. اگرچه شیوه کار این پروژه را نمی توان به مقاله پیش روی نسبت داد؛ اما ذکر این نکته شاید خالی از فایده نباشد که مناطقی جزیره ای اروپا با چالش های متعددی روبرو هستند: از دست دادن جمعیت، انزوای محیط های آسیب پذیر و فعالیت های اقتصادی محدود از آن جمله اند. پروژه مورد اشاره بر بررسی و بهبود اقدامات سیاست عمومی به منظور تبدیل جزایر به "مجزاهای آزمایشی" نوآوری تمرکز دارد و در پی آن است که جزایر به عنوان محیط ترویج نوآوری، "کاوش و یادگیری" تجربی بتواند جوانان، مبتکران، کارآفرینان و فعالیت های اقتصادی را حفظ نموده و جذب کند.

مفهوم چند بحرانی به حالتی اشاره دارد که در آن بحران های متعدد در هم تنیده شده و علل و فرآیندهای آنها به گونه ای جدایی ناپذیر با هم پیوند خورده اند تا اثراتی مرکب ایجاد نمایند. واژه چند بحرانی توسط آدم توزه^۷،

^۱ Are we in the age of the polycrisis?

^۲ Jeremy Allouche

^۳ Steve Metcalfe

^۴ Megan Schmidt-Sane

^۵ Shilpi Srivastava

^۶ Global Challenges Research Fund Islands of Innovation in Protracted Crises project

^۷ Adam Tooze

آکادمیسین از دانشگاه کلمبیا رایج شد. این مفهوم بار دیگر در اوایل سال ۲۰۲۳ توسط مجمع جهانی اقتصاد با هشدار در گزارش سالانه مخاطرات جهانی^۸ خود با این تحلیل که جهان در آستانه یک بحران چندگانه در رابطه با "کمبود منابع طبیعی مانند غذا، آب، فلزات و مواد معدنی" قرار دارد، عنوان شد. این مفهوم از آن زمان تاکنون علاقه مندی بیش تری را برانگیخته است و موسسه کاسکید^۹ تنها چند هفته پیش یک مرکز جدید برای جامعه رو به رشد اندیشه چند بحرانی ایجاد کرد. این اصطلاح را می توان در مبحث پیامدهای گستردگی یا کم اهمیتی بحران مورد توجه قرار داد؛ یعنی جایی که هر «مشکلی» تشدید می شود یا شکلی از بیان یک واقعیت در اساس جدید را به خود می گیرد. آیا ما به عصر چند بحرانی وارد شده ایم؟

درک چگونگی پیوند بحران ها با یکدیگر

بدون شک این عبارت می تواند به برجسته کردن پیچیدگی هایی که با آن روبرو هستیم کمک کند. برای مثال، نظام های خوراک از سوی منابع متعددی - همچون چالش های زیست محیطی، درگیری ها و همه گیری ها - در معرض تهدید شدید قرار گرفته اند. درک ماهیت این بحران های جداگانه و نحوه پیوند آن ها با یکدیگر ممکن است به مردم کمک کند تا بفهمند چه اقداماتی برای پیشگیری از فروپاشی نظام های خوراک لازم است.

چند بحرانی همچنین ممکن است از مداخلات بالقوه خطرناک «بحران واحد» جلوگیری کند، جایی که اقدام برای رسیدگی به یک مشکل به طور سهوی به مشکل دیگری به دلیل عدم درک ارتباطات پیچیده منجر می شود. مایک هولم^{۱۰} از دانشگاه کمبریج به طور قانع کننده ای در مورد این چالش با توجه به بحران اقلیمی مطلب نوشته است. این اصطلاح همچنین به نشان دادن این که این کل خطرناک تر از مجموع اجزا است کمک می کند. به این ترتیب تأثیر جهانی درگیری در اوکراین بسیار بزرگ تر شد؛ زیرا جهان به آرامی از بحران کووید ۱۹ خارج شد و به تازگی برای مقابله با بحران آب و هوایی تلاش می کرد. با این حال، این باور که درک ارتباطات بین بحران های مختلف می تواند منجر به بهبود پاسخ ها شود، ممکن است خطرناک باشد.

مجمع جهانی اقتصاد در گزارش مخاطرات جهانی خود، ارتباط بین ریسک ها را ترسیم کرد و اقدامات آمادگی برای کمک به کاهش کنار آمدن با ریسک را ترسیم کرد. این گزارش نشان می دهد که به نوعی با اقدام صحیح، می توان بحران ها را در مقیاس جهانی مدیریت کرد. دیدگاه مجمع جهانی اقتصاد درباره چگونگی ماهیت

^۸ The Annual Global Risks Report

^۹ Cascade Institute یک مرکز پژوهشی کانادایی است که در زمینه تجزیه و تحلیل سیستم های جامع جهانی برای پیش بینی بحران های آینده فعالیت می کند.

^{۱۰} Mike Hulme

به هم پیوسته ریسک‌های فعلی و نوظهور، اعتبار چند بحرانی را تهدید می‌کند. آیا انتظار این که این نهادها بتوانند این بحران‌ها را «رفع کنند» واقع بینانه است؟ حتی ممکن است بازگشت به حالت عادی مطلوب نباشد.

تغییرات مهم اغلب از طریق گسست‌های ناشی از بحران‌ها پدیدار می‌شوند. سه سال پیش، در میان بسیاری خوش‌بینی وجود داشت که بحران کووید ۱۹ فرصتی برای جامعه است تا متفاوت فکر کند - "بهبتر از پیش بساز". اما این خوش‌بینی تا حد زیادی نابجا بود، زیرا زمانی که قرنطینه‌ها برداشته شد، جهان به سرعت تا حد زیادی به آن چه که پیش از این بود بازگشت، با تمام صحبت‌ها درباره شروع جدید که البته این صحبت‌ها اکنون دیگر به خاطره‌ای دور تبدیل شده است. اگر بهتر بود از فرصت بحران برای ابداع تغییرات رادیکال‌تر استفاده می‌کردیم، چه کار متفاوتی می‌توانستیم انجام دهیم؟

بحران چه کسی؟

روایت چند بحرانی همچنین سوالاتی را مطرح می‌کند که بحران‌های چه کسانی در اولویت‌اند. یک سیاست‌گذار در شمال جهانی ممکن است بحران‌های بسیار متفاوتی را در مقایسه با یک سیاست‌گذار در جنوب جهانی عنوان کند، در همان حال که پیامدهای واکنش‌ها در برابر آن بحران‌ها نیز متفاوت خواهد بود.

در همان حال، برای بسیاری جوامع، بحران یک واقعیت روزمره است. افراد در مواجهه با آن متبحر می‌شوند. پاسخ به همه‌گیری کووید ۱۹ این چالش را نشان می‌دهد. تحقیقات ما نشان داده است که اقدامات برای جلوگیری از گسترش کووید ۱۹ تأثیر مخربی بر سطح فقر در بسیاری از کشورهای جنوب جهانی داشته است؛ به آن دلیل که خطر نسبی بحران از کشوری به کشور دیگر متفاوت بود - در حالی که قرنطینه‌ها پاسخ مناسبی در برخی کشورها بود، در برخی دیگر منجر به از دست دادن سنوات تحصیل کودکان شد.

در همه‌گیری‌های آینده، سیاست‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی باید ضد بحران باشند تا از نیازهای کسانی که در فقر زندگی می‌کنند محافظت شود. در مواقع بحران، ما باید بیش‌تر به جوامع توجه نماییم تا پاسخ‌های خود را با توجه به نیازها و اولویت‌های خود توسعه دهند. برای مثال، اثر ما در باب نظام‌های خوراک، چگونگی دستیابی به این امر را مشخص می‌کند.

این تصور که شاید بشریت نتواند همه بحران‌هایی را که ما در حال حاضر با آن روبرو هستیم «حل» کند، می‌تواند ذاتاً برای کسانی در شمال جهانی که به ثبات و رفاه در دوره پس از جنگ جهانی عادت کرده‌اند، نگران‌کننده باشد.

چند بحرانی به معنای از دست دادن کنترل است. حقیقت آن است که ما به سختی می توانیم چیزهای پیچیده ای را که در دنیای اطرافمان اتفاق می افتد درک کنیم، چه رسد به این که آن ها را کنترل نماییم. با این حال، برای اکثریت مردم در سراسر جهان، سر و کار داشتن با چالش های غیرقابل حل برای قرن ها بخشی از زندگی روزمره شان بوده است. ممکن است باران بیارد یا نیارد. از جوامعی که تحت تاثیر عدم قطعیت هستند چه می توانیم بیاموزیم؟

اثر ما نواحی ساحلی در کشورهای بنگلادش و هند را بررسی کرده است که چگونه تحولات می توانند از جوامعی که با تغییرات دائمی زندگی می کنند پدیدار شوند. همان گونه که پروژه تصویری جدید موسسه مطالعات توسعه (IDS) نشان می دهد، رمه گردان ها - افرادی که دام ها را در مناطق وسیعی در مکان های مختلف به چرا می برند - در استفاده حداکثری از عدم قطعیت مهارت دارند و ما می توانیم از شیوه زندگی آن ها چیزهای زیادی فراگیریم.